

در گفت‌وگو با امیر خلبان علی اصغر جهانبخش مطرح شد

مهاجرت جنگی، سخت و طاقت‌فرسا است

| طرح‌نو | ماندانا فتحی‌جو |



زمانی که جنگ به عنوان پدیده‌ای جبری، به وقوع می‌پیوندد یا خود انبوهی از مشکلات و نابسامانی به همراه می‌آورد؛ مشکلاتی که زمینه اجتماعی هم دارد؛ به‌طور طبیعی، آغاز کننده جنگ به این موضوع واقف است که باید با تمام قدرت و توان زیربنای طرف مقابل را با یورش همه‌جانبه، تخریب کند. مهاجم سعی می‌کند تا با وارد کردن فشار همه‌جانبه، آسیب‌های روانی و اجتماعی وسیع به زندگی مردم طرف مقابل جنگ وارد آورد.

جنگ تحمیلی به ایران نیز به‌عنوان طولانی‌ترین جنگ معاصر، از این موارد استثنا نبوده و نیست. به‌ویژه این که در ابتدای جنگ هنوز نیروهای منسجم و آماده برای مقابله با این تجاوزها، سازماندهی نشده بود و تنها مردم مرز نشین برای حفاظت از خانه‌های خود با همکاری نیروهای مردمی و خودجوش در مقابل این تجاوزها مقاومت می‌کردند. با «سر تیپ خلبان علی اصغر جهانبخش» به گفت‌وگو نشستیم و از چند و چون، مقاومت مردمی، حرفی به میان آوردیم. او فردی است که مدیریت و ساختار سازی «جنگ الکترونیک» را برای نخستین بار در ۸ سال دفاع مقدس، بر عهده گرفت. بخشی که به اعتقاد کارشناسان جنگ، نقش ویژه‌ای در پشتیبانی از مردم بی‌دفاع شهرهای مورد تهاجم یعنی‌ها، بر عهده داشت.

• جنگ چگونه آغاز شد و صدام حسین چه در پی پرواندا؟

در پی پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در حالی که کشور در حال برنامه‌ریزی برای آینده‌های متفاوت بود، صدام حسین با این تصور که ایران اکنون شرایط مقابله با حمله خارجی را ندارد، با تحریک ایرانیان خود در شهریور ۵۹، به ایران حمله کرد. در همان روز نخست، چندین فروند هواپیمای جنگنده خود را به ایران فرستاد تا با بمباران نقاط استراتژیک و حساس کشور، توان مقابله را از ایران بگیرد اما در یک اقدام متهورانه، با مقابله ۱۴۰ فروند هواپیمای جنگنده ایران روبه‌رو شدند. آن زمان در روزهای پس از انقلاب، در حال بازطراحی و مدیریت مجدد نیروی هوایی بودیم. در آن دوران در پایگاه نیروی هوایی اصفهان مشغول انجام وظیفه بودم. در ابتدای آغاز جنگ، آمادگی کافی برای مقابله نداشتیم اما با همت نیروها، بلادرنگ به آمادگی لازم برای مقابله با دشمن رسیدیم.

• به نظر می‌رسد در پی شروع جنگ، تحریم صنایع هوایی ایران آغاز شد؟

درست است؛ غربی‌ها که اصولاً از بسط و توسعه انقلاب در منطقه دلخوشی نداشتند، با تحریک صدام حسین، امنیت منطقه را برهم زدند تا با مقابله با ایران شرایط برای گسترش انقلاب فراهم نشود و برای تحت‌فشار قرار دادن ایران، تحریم‌های مختلف از جمله تحریم

• در این میان چه بر سر مردم مرز نشین آمد؟

مردم مرز نشین که از حمله ناگهانی نیروهای عراقی شوکه شده بودند و امکانات دفاع هم وجود تحریم‌ها که تاکنون هم ادامه دارد، توان مهندسان و کارشناسان ایرانی روزبه‌روز افزایش یافت و در بخش تعمیرات اساسی، بازسازی و ساخت مجدد قطعات، در جهان در رتبه‌های نخستین قرار داریم. این امر به خودکفایی ما در بسیاری از بخش‌های هوایی منجر شد.

• بیشتر چه کشورهایی در جامعه جهانی، طرفدار ادامه جنگ بودند؟

در حدود ۲۷ کشور از سراسر دنیا به‌طور مستقیم و غیرمستقیم به تجهیز و پشتیبانی ماشین جنگی عراق می‌پرداختند، آنها به تأمین انواع هواپیمای جنگنده، موشک، قطعات یدکی و... از جمله هواپیمای میراز و انواع اف‌های آمریکایی اشاره کرد. در کنار آنها سئال‌های مخرب و کشتار جمعی که به مواد شیمیایی آکنده بودند و زنان و کودکان و افراد بی‌دفاع به‌خصوص در مرزهای غربی را مورد تهاجم قرار می‌دادند، باید نام برد.

بسیاری از دولت‌های غربی با اهدای این سلاح‌ها جامعه بشری و به‌خصوص افکار عمومی را به‌شدت منجر ساختند زیرا در جنگ‌های واقعی هیچ‌گاه نباید بی‌دفاعان و به‌خصوص زنان و کودکان مورد تهاجم کور قرار گیرند اما متأسفانه در چند نوبت با حمایت دولت‌های طرفدار حزب بعث، این حملات وحشیانه صورت گرفت که همچنان صدمات و آسیب‌های مخرب آن در چند نسل پس از جنگ نیز باقی مانده است.



امروز با مولانا

پس بگویم من بسر نصرانیم
ای خدای رازدان می‌دانیم
شاه واقف گشت از ایمان من
وز تعصب کرد قصد جان من



برش

من شهری ندیدم!

| سیده‌زهر احسینی |

نشده بود ولی خانه‌ها به‌قدری آسیب‌دیده بودند که احساس می‌کردم به شهر و محله‌های غریب وارد شده‌ام. بادیدن خانه‌مان یاد علی و بابا زنده شد. صدای آنها را می‌شنیدم. صدای روزهایی که داشتند این خانه را می‌ساختند. خانه‌ای که همه ما با کمک یکدیگر و رحمت خودمان آن ساخته بودیم. صدامی‌ها علاوه بر این که صاحب خانه را کشته بودند، خانه را هم خراب کرده و اموالش را به غارت برده بودند. حتی از در سه‌لنگه‌ای حیاط دولنگه‌اش را برده بودند. آنها درهای آهنی معمولاً برای سقف سنگ‌هایشان استفاده می‌کردند. آشپزخانه و سرویس بهداشتی که سمت راست حیاط نسبتاً بزرگ خانه بود، از بین رفته و دیوار سمت کوچه خراب شده بود. با این حال خانه مانسبت به دیگر خانه‌های طالقانی کمتر آسیب دیده بود. از خانه به طرف جنت‌آباد رفتیم. وضع قبرستان به هم ریخته و نشانه‌هایی که روی قبرها گذاشته بودم، از بین رفته بود. کمی گشتم تا قبر بابا و علی را پیدا کردم ولی آن قدر بهتر زده بودم که حتی نتوانستم گریه کنم.

حیب سر مرز علی برام تعریف کرد که...
... بعد از صحبت‌های حیب هیچ حرفی نزدم. دوست داشتم بروم همه‌جا را ببینم. همه‌جای ممنوع بود. عراقی‌ها هنوز توی سلیمچه بودند. توی محدوده شهر چرخ‌زدیم، حیب که می‌دید چقدر ساکت و بهتر زده‌ام، توضیح می‌داد و من فقط می‌شنیدم. از صبح تا دو بعد از ظهر همین‌طور گشتم و من نگاه کردم.

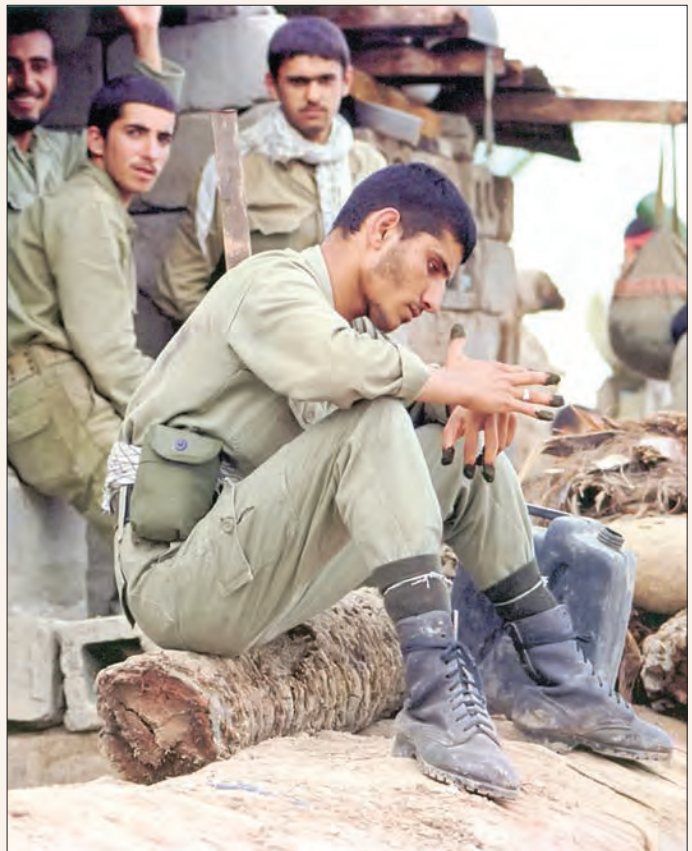
همین که به خانه رسیدیم، بغض ترکید و شروع کردم به گریه. برام خیلی سخت بود. وقتی شهر سقوط کرد این قدر برام سنگین نیامده بود. نمی‌دانم شاید امیدم این بود که شهرمان را سالم پس می‌گیریم ولی وقتی ویرانه‌های شهر و ظلمی را که بر آن رفته بود دیدم، تحملش واقعاً برام سخت و دردناک می‌آمد. این همه جوان‌هایمان شهید شده بودند و آخر هم دشمن با خانه‌های مردم این‌طور کرد.

برشی از کتاب‌دا



شاتر

جانبدان



• وضعیت پشتیبانی و حمایت مردم در پشت جبهه‌ها چگونه بود؟

ساختن عزیزانشان برای دفاع از مرز و بوم کشورشان با دل و جان به پشتیبانی معنوی و مادی از برادران و پدران خود که در جبهه‌ها در مقابل دشمنان تا دندان مسلح ایستادگی می‌کردند، به تجهیز تدارکات و تأمین اقلام مورد نیاز می‌پرداختند. همه اقشار در حد توان خود به پشتیبانی از رزمندگان اقدام می‌کردند. کمک شایه‌روزی در طول ۸ سال بی‌وقفه از سوی مردم صورت گرفت.

• چرا صدام اصرار به ادامه جنگ داشت با وجود این که در طول جنگ به این مسأله رسیدیم بود که نمی‌تواند در مقابل مقاومت و دفاع ایران همچنان با شدت شرایط جنگ را به نفع خود ادامه دهد؟

صدام که خود را سردار قادسیه می‌دانست، به خیال اشغال شهرهای ایران و ضمیمه کردن آن به خاک عراق، در صدد ادامه جنگ به هر شکل ممکن بود در واقع این سردار خیال پر داز، به فکر جهان‌گشایی افتاده بود که البته سرانجام دیکتاتورها و غاصبین همواره در تاریخ مشخص شده است و آن نیز مستثنا نشد.

• پشتیبانی هوایی کشور برای مقابله با حملات بی‌وقفه نیروهای مهاجم چگونه

مهم‌ترین آسیب‌روانی‌ها بازماندگان جنگ



حامد محمدی کنگرانی
روان‌پزشک

ما در کشورمان در زمینه پیشگیری هنوز عقیمیم و آن را پشت‌گوش می‌اندازیم، به غیر از پیشگیری در درمان بیماران هم دچار ضعف هستیم چون درمان آنها حمایتی است و نیازمند بودجه و هزینه

بسیار زیادی است. یک نگاه به وضع جانبازان اعصاب و روان و محل زندگی و کیفیت زندگی‌شان به خوبی موید وضع اسفناک آنها در جامعه است اما ما تنها برای آسیب‌دیدگان دل‌سوزی می‌کنیم، ما به‌خاطر جنگ تعداد بسیاری آسیب‌دیده داریم و چون این اختلال مزمن است، تا سال‌ها هم ادامه پیدا می‌کند. باید از آنها حمایت شود و این حمایت فقط با پول نیست. هر قدر به آنها وام بدهید فایده ندارد چون این افراد به کار و فعالیت احتیاج دارند و به کسی که حرفشان را بفهمد، نمونه‌شان آنها را می‌توانید در فیلم‌های رسول ملاقلی‌پور ببینید. جنبه‌ای که در آن‌هاست روانی هستند و خیلی‌ها ایشان چیزی ندارند. ما اصطلاح زشت موحی را برایشان به کار می‌بریم در صورتی که آنها جانباز اعصاب و روان هستند و کسانی‌اند که همه زندگی‌شان تحت تأثیر این واقعه قرار گرفته است. مهم‌ترین فاجعه جنگ روی روان افراد همین است. فاجعه‌ای که تا سال‌های سال می‌ماند. زمانی که این افراد در جنگ مادچار این بیماری شدند، روانشناس و روانپزشک به اندازه کافی نبود که پیشگیری شود و حالا آنها به گروه درمانی احتیاج دارند. احتیاج دارند در گروه صحبت کنند و ما چنین امکانی نداریم چون جلسات روان‌درمانی گران است. کمک‌هایی هم که به این افراد می‌شود در حد پول دارو است که فایده‌ای برایشان ندارد. اما حالا که روانشناس و روانپزشک به اندازه کافی داریم می‌توانیم درمان‌های این افراد که شامل مارودرمانی و روان‌درمانی (مهم‌ترین آن گروه درمانی) است برای آنها به نحو احسن انجام دهیم از آن مهم‌تر در صورت بروز واقعه‌ای مشابه مثل جنگ یا زلزله یا سیل این‌بار به‌صورت صحیح پیشگیری می‌کنیم و از ابتلای بازماندگان به PTSD پیشگیری کنیم.

جنگ در هر صورت باعث ویرانی و کشته شدن افراد است و از آن گذشته می‌تواند آسیب‌های طولانی‌مدت زیادی بر روان افراد باقی بگذارد. به همین دلیل دفاع را قبول دارم و می‌دانم که گاهی مجبور به آن می‌شویم اما جنگ برای دفاع را قبول ندارم و فکر می‌کنم جنگ وسیله‌ای است برای قدرت‌طلبی اقتصادی و نظامی بالادستی‌ها که از افرادی که در جنگ شرکت می‌کنند یا افرادی که پشت جبهه‌ها هستند سواستفاده می‌کنند. جنگ آسیب‌های روانی بسیار زیادی دارد چون شدیدترین نوع خشونت است. مرگ خشن دوستان و خانواده که با بمب و تگه‌تگه شدن آنها همراه است، اثرات روانی بسیاری هم برای کسانی که خودشان آسیب دیده‌اند هم کسانی که شاهد کشته شدن دیگران بوده‌اند دارد. اصطلاح علمی برای این آسیب PTSD یا اختلال استرس پس از سانحه است که شدیدترین اختلال اضطرابی است. این اختلال وقتی رخ می‌دهد که فرد شاهد فوت یکی از عزیزان یا آسیب دین او باشد یا خودش شاهد حادثه‌ای را از سر بگذراند که جانش در آن به خطر افتاده باشد. یکی از مهم‌ترین نمونه‌های این اختلال در بازماندگان جنگ جهانی دوم مشاهده شد که حتی اثرات آن تا زمان حاضر هم ادامه دارد که به آن PTSD می‌گویند و از نمونه‌های مهم دیگر این اختلال در بازماندگان جنگ بین ایران و عراق و سربازان شرکت‌کننده در جنگ خلیج فارس مشاهده می‌شود که به نام سندرم خلیج فارس نیز معروف است. ما در مورد بازماندگان جنگ خودمان که دچار این اختلال هستند، اصطلاح بسیار زشت موحی را به کار

نگاه